

بررسی اعتبار معجزه‌گاه‌های منسوب به امام علی (ع) در عراق

احمد خامه‌یار / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

a_khamehyar@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

در برخی منابع تاریخی و روایی شیعه، معجزه‌های متعددی به امام علی (ع) نسبت داده شده است. اعتقاد به وقوع این معجزات در مکان‌هایی خاص، موجب شده تا بعدها در این مکان‌ها زیارتگاه‌هایی ایجاد شود که در این نوشتار، از آنها با عنوان «معجزه‌گاه‌های امام علی (ع)» یاد شده است. در کشور عراق، شماری از این دست زیارتگاه‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: «مشهد الشمس» در حله، «زیارتگاه جمجمه» در بابل، «مسجد برائا» در بغداد، و «قطاره» امام علی (ع) نزدیک کربلا. در این مقاله، ضمن معرفی مختصر هریک از این چهار معجزه‌گاه، تلاش شده است تا با تحلیل و مقایسه اقوال و روایات نقل شده در منابع روایی متقدم شیعه در باب معجزات امام علی (ع) و محل وقوع آنها، میزان اعتبار این معجزه‌گاه‌ها و انطباق آنها با این روایات بررسی شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در این منابع، تناقضات و اختلافات شدیدی در محل وقوع معجزاتی که مبنای شکل‌گیری این زیارتگاه‌ها بوده است، وجود دارد، به گونه‌ای که غالباً انطباق موقعیت جغرافیایی آنها را با اقوال و روایات موجود، با مشکل مواجه می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، معجزه، زیارتگاه، عراق، روایات، شیعه.

مقدمه

از دیرباز تاکنون، بیشتر مسلمانان‌ها به امام علی (ع) به عنوان یک شخصیت استثنایی و فوق‌العاده نگریسته‌اند. در میان اهل سنت، علما و اندیشمندان فراوانی بوده‌اند که امیرالمؤمنین (ع) را بر سایر خلفا ترجیح داده‌اند، و صوفیان نیز آن حضرت را وارث معارف و علوم باطنی پیامبر (ص) دانسته و سلسله‌های طریقتی خود را به ایشان رسانده‌اند. از سوی دیگر، گروه‌هایی منسوب به شیعه نیز از نخستین دوره‌های تاریخ اسلام در حق ایشان غلو ورزیده و گاه برای ایشان مرتبه الوهیت قایل شده‌اند.

در منابع روایی شیعه، روایات متعددی در باب معجزات امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که بخش قابل توجهی از آنها در روزهای حضور آن حضرت در سرزمین عراق در دوره خلافت ظاهری ایشان رخ داده است. بر اساس این روایات، بخش قابل توجهی از این معجزات مربوط به زمان رفت و آمد ایشان برای مقابله با دشمنان، یعنی در طول مسیر رفت و بازگشت جنگ صفین، و یا مسیر رفت و بازگشت جنگ نهروان به وقوع پیوسته است.

تعدادی از این معجزات مبنای پیدایش و ساخته شدن زیارتگاه‌هایی در جاهایی بوده که محل وقوع این معجزات به‌شمار می‌آمد. برای مثال، گفته می‌شود که زیارتگاه «مشهد الشمس» در شهر حله، در محل بازگشت خورشید برای امام علی (ع)، و مسجد «جمجمه» در منطقه بابل نیز در محل سخن گفتن آن حضرت با جمجمه مرده ساخته شده است. همچنین «دکه الطشت»، از مقام‌های زیارتی مسجد کوفه، محل وقوع معجزه دیگری از امام علی (ع) است، و زیارتگاه «مشهد البوق» در «رحبة مالک بن طوق» («میدان» امروزی در شرق سوریه) با یک غیب‌گویی امام علی (ع) ارتباط یافته است. این نوشتار به صورت تسامحی از چنین زیارتگاه‌هایی با تعبیر «معجزه‌گاه» یاد کرده است.

سؤال‌هایی که نگارنده در این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به آنهاست: آیا زیارتگاه‌های بررسی شده کاملاً منطبق بر جاهایی است که در روایات به‌عنوان محل وقوع معجزات (صرف نظر از سند و محتوای آنها) ذکر شده است؟ به عبارت دیگر، آیا این زیارتگاه‌ها بر اساس روایات یادشده به‌عنوان مبنای پیدایش آنها، تا چه میزان اعتبار تاریخی دارد؟

برای پاسخ به این سؤال‌ها، چهار معجزه‌گاه واقع در خاک عراق را بررسی کرده‌ایم که عبارتند از: زیارتگاه یا «مشهد ردالشمس» در شمال شهر حله، مسجد یا «زیارتگاه جمجمه» در منطقه بابل، «مسجد برائا» در بغداد، و زیارتگاه معروف به «قطاره امام علی (ع)» نزدیک دریاچه زَازَه در غرب کربلا. لازم به ذکر است که از این زیارتگاه‌ها، دو زیارتگاه یعنی «مسجد برائا» و «مسجد جمجمه»

در گذر زمان از بین رفته، و دو زیارتگاه دیگر یعنی «مشهد الشمس» و «قطاره امام علی (ع)» تاکنون باقی مانده است.

در بررسی هر معجزه‌گاه، روایت‌هایی را که عمدتاً با جزئیات متفاوت در منابع روایی شیعه درباره معجزه‌ای مرتبط با آن نقل شده است، به اجمال بیان شده و نکات اختلافی، به‌ویژه در خصوص زمان و محل وقوع این معجزات، استخراج شده است.

۱. زیارتگاه «مشهد ردّ الشمس»

در شمال شهر حلّه، در کنار جاده‌ای که از این شهر به بابل متصل می‌شود، زیارتگاه معروف به «مشهد ردّ الشمس» قرار دارد که براساس باور شیعیان، در محلی ساخته شده است که در آنجا به طریق معجزه، خورشید پس از غروب برای امام علی (ع) بازگردانده شد.

پیش از توصیف این زیارتگاه، لازم به توضیح است که بر اساس بسیاری از منابع حدیثی و روایی شیعه و حتی اهل سنت، خورشید پس از غروب آن، یک یا دو بار برای امیرالمؤمنین (ع) بازگردانده شد که به حادثه «ردّ الشمس» (= بازگرداندن خورشید) معروف است. در این باره از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَدَّ عَلَى الشَّمْسِ مَرَّتَيْنِ، وَلَمْ يَرُدَّهَا عَلَى أَحَدٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَيْرِي»؛ خداوند تبارک و تعالی دو بار خورشید را برای من بازگرداند، و آن را جز من برای هیچ کس دیگری از امت محمد برنگرداند (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۵۸۰).

همچنین از ابن عباس نقل شده است که خورشید تنها برای سه نفر یعنی حضرت سلیمان وصی حضرت داود (ع)، حضرت یوشع وصی حضرت موسی (ع) و حضرت علی بن ابی طالب (ع) وصی پیامبر اکرم (ع) برگردانده شد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۵).

شیخ صدوق نیز از امام صادق (ع) داستان بازگرداندن خورشید برای حضرت سلیمان (ع) را روایت کرده، و سپس اشاره نموده که مطابق روایتی، خداوند خورشید را برای حضرت یوشع (ع) بازگردانده است (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰).

حسین بن حمدان خصیعی گفته است: مطابق به روایتی خورشید تنها برای یوشع بن نون، وصی حضرت موسی و امیرالمؤمنین علی (ع) بازگشته است (خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۳). او سپس به سند خود از امام محمدباقر (ع) روایت کرده است که خورشید برای امیرالمؤمنین (ع) سه بار: یک بار در مدینه منوره و دو بار در عراق بازگردانده شد، و سپس داستان مفصل هریک را آورده است (خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۰).

همچنین بسیاری از شاعران شیعه در قرون اولیه اسلامی در اشعار خود، به معجزه «ردّ شمس» اشاره داشته‌اند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۶۱). ابوبکر شیرازی از اعلام اهل سنت نیز معتقد است: خورشید چندین بار در جایگاه‌های گوناگونی برای امیرالمؤمنین (ع) بازگردانده شده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۳).

علامه مجلسی در بحار الانوار، یک باب را به موضوع «ردّ الشمس» برای امیرالمؤمنین (ع) اختصاص داده و روایات گوناگونی را از منابع شیعه نقل کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۶۶-۱۹۱).

معجزه اول ردّ شمس که علاوه بر منابع شیعه، در بسیاری از منابع اهل سنت نیز نقل شده، در زمان حیات حضرت رسول اکرم (ص) در مدینه منوره اتفاق افتاد. خلاصه مضمون روایات نقل شده چنین است که روزی رسول خدا (ص) پس از بجا آوردن نماز ظهر و عصر، حضرت علی (ع) را نزد خویش فراخواندند، سپس درحالی که سر بر دامن امام (ص) نهاده بودند، وحی بر ایشان نازل شد و در همان حال پیامبر (ص) به خواب رفتند. این در حالی بود که امام (ص) هنوز نماز عصر خود را نخوانده بودند. این حالت به قدری طول کشید که خورشید غروب کرد و نماز عصر امام علی (ع) قضا شد. وقتی پیامبر (ص) بیدار شدند و از قضا شدن نماز امام (ص) مطلع شدند، دعا کردند که خورشید برگردد تا امام (ص) نماز عصر خود را ادا کنند (ر.ک: نریمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

از جمله محدثان و علمای شیعه، که این داستان را نقل کرده‌اند، می‌توان از شیخ کلینی، شیخ صدوق، حمیری، عیاشی، محمد بن حسن قمی، حسین بن حمدان خصیعی، شیخ مفید، قطب راوندی و ابن حمزه طوسی نام برد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵۶۱-۵۶۲؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۵-۱۷۶؛ عیاشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰-۷۱؛ قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹-۲۰؛ خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ ابن حمزه الطوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۴). بسیاری از علمای اهل سنت نیز در کتاب‌های خود، این داستان را نقل کرده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۲-۱۱۵) و حتی برخی از آنان درباره طرق روایی آن و یا در دفاع از امکان یا صحت وقوع این معجزه تألیفاتی داشته‌اند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۱-۱۱۲).

البته در جزئیات روایات نقل شده در این باره، اختلافاتی وجود دارد و برخی به دیده تردید به وقوع این معجزه و روایات آن نگریسته‌اند (ر.ک: نریمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳-۵۷). به هر حال، در مدینه منوره

مسجدی به نام مسجد «فَضِیْح» یا «رَدّ شمس» وجود داشته که آن را محل وقوع این معجزه به‌شمار آورده‌اند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹-۳۰۲).

در تعدادی از منابع شیعه، روایاتی مبنی بر وقوع معجزه رَدّ شمس دوم در سرزمین بابل نقل شده است، اما در این روایات اختلافاتی در سبب و زمان وقوع حادثه و دیگر جزئیات آن وجود دارد. در بیشتر این روایات، به وقوع معجزه در زمان بازگشت امیرالمؤمنین (ع) از نهروان اشاره شده، اما بر اساس کتاب *وقعة صفین*، در زمان حرکت امام (ع) به سمت صفین اتفاق افتاده و در برخی روایات نیز به زمان وقوع آن اشاره نشده است؛ که در ادامه به تفصیل به این روایات خواهیم پرداخت.

نصرین مزاحم درباره معجزه رَدّ شمس به سند خود از عبد خیرین یزید همدانی این‌گونه نقل کرده است: به همراه علی (ع) در سرزمین بابل حرکت می‌کردیم. وقت نماز عصر فرارسید. هر جا می‌رسیدیم سرسبزتر از جای قبل بود. تا اینکه به جایی رسیدیم که زیباتر از آن ندیده بودیم. خورشید در حال غروب بود. حضرت دعایی کرد و خورشید به مقدار وقت نماز عصر شروع کرد به بازگشتن. نماز عصر را خواندیم. سپس خورشید غروب کرد (مقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۶).

با این حال، همو روایت دیگری را شبیه روایت مزبور، از فرزند مخنف بن سلیم ازادی نقل کرده که در آن، اشاره‌ای به بازگشت خورشید نشده است: «پدرم مخنف بن سلیم همراه علی (ع) در سرزمین بابل حرکت می‌کرد. در این حال علی (ع) فرمود: بابل زمینی است که در آنجا «خسف» شده است. مرکب را حرکت بده تا شاید نماز عصر را در بیرون آن ادا کنیم. سپس بر سرعت مرکب خود افزود و به تبع وی دیگران نیز بر سرعت مرکبشان افزودند. پس از اینکه از پل صراط عبور کردند، علی (ع) از مرکب پایین آمد و با مردم نماز عصر را به‌جا آورد (مقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۵).

در تعدادی از منابع روایی شیعه، این داستان با تفصیل بیشتری نقل شده و خلاصه آن چنین است که امام علی (ع) با لشکریان خود، در وقت نماز عصر به سرزمین بابل رسیدند و فرمودند: اینجا سرزمینی است که در آن عذاب نازل شده و جایز نیست که هیچ پیامبر یا وصی پیامبری در آن نماز بخواند. هر کس می‌خواهد در اینجا نماز بخواند، بخواند. مردم پراکنده شدند و به نماز ایستادند. جویریة بن مسهر، از اصحاب امیرالمؤمنین (ع)، تصمیم گرفت به امام (ع) اقتدا کند و نمازش را با ایشان بخواند. سپس به راه خود ادامه دادند، تا اینکه خورشید غروب کرد و آنها از این سرزمین خارج شدند. آن‌گاه حضرت زیر لب دعایی کردند و خورشید دوباره در آسمان بالا آمد. پس امام (ع) نماز عصر خود را بجا آوردند و خورشید دوباره غروب کرد.

درباره جزئیات این داستان، در منابع شیعه، از جمله زمان وقوع این معجزه، اختلاف وجود دارد. در روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه* و صفار و ابن حمزة طوسی و قطب راوندی، که از جویریة بن مسهر عبدی نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۳؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۴) و نیز به نقل حسین بن عبدالوهاب و محمد بن حسن قمی و شاذان بن جبرئیل قمی، که از امام حسین (ع) روایت کرده‌اند (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۲-۱؛ قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹-۱۸ و ۱۷۰-۱۶۹؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۶۸) زمان وقوع حادثه پس از بازگشت از جنگ نهروان بیان شده است. شبیه روایت موجود در این منابع را حسین بن حماد/ن خصیعی با تفصیل بیشتری از امام محمدباقر (ع) نقل کرده است (خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۲-۱۲۳).

در بیشتر منابع مزبور، محل بازگشت خورشید پس از خروج از سرزمین بابل و تنها در روایت شیخ صدوق، پس از عبور از پل «سوراء» بیان شده است.

در روایت دیگری از شیخ صدوق (در *علل الشرائع*) و روایت دیگری از صفار و نیز در روایت شریف رضی، از سرزمین بابل نامی در میان نیست، اما محل وقوع معجزه جایی پس از گذشتن از پل «صراة» بیان شده، و به اینکه این معجزه در مسیر رفت یا بازگشت جنگ صفین، یا در زمان رفت یا بازگشت جنگ نهروان رخ داده، اشاره‌ای نشده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹؛ شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶-۵۷). همچنین در روایت دیگری، مسیر رسیدن به بابل، از سمت کربلا و رود فرات بیان شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۸) که با قول مبتنی بر وقوع معجزه در مسیر بازگشت از نهروان، توافق ندارد.

در روایتی که شیخ طوسی از امام محمدباقر (ع) نقل کرده، جزئیات معجزه رَدّ شمس در عراق، به گونه‌ای متفاوت با روایات قبلی بیان شده است. در این روایت، درباره زمان حادثه آمده است: «آن‌گاه که امیرالمؤمنین (ع) به سوی نهروان خارج شد...» و چنین تصویری را به وجود می‌آورد که معجزه مزبور در مسیر رفت امام (ع) به نهروان - و نه در مسیر بازگشت ایشان - اتفاق افتاده است. همچنین در روایت مزبور، کسی که در بابل نماز نخواند و صبر کرد تا با امام (ع) نماز بجا آورد، *مالک اشتر* - و نه جویریة بن مسهر - معرفی شده است. علت نماز نخواندن امام (ع) در سرزمین بابل نیز شوره‌زار بودن آن - و نه وقوع خسف یا عذاب الهی در آن - بیان شده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۷۱-۶۷۲).

بر اساس روایت مرفوع و بدون سند شیخ مفید در *الارشاد*، رَدّ شمس دوم در جایی به وقوع

پیوست که امام علی (ع) می‌خواستند در بابل از رود فرات عبور کنند، اما از زمان وقوع آن و اینکه پیش یا پس از جنگ صفین یا نهروان رخ داده، سخنی به میان نیامده است. بر اساس این روایت، بر خلاف سایر منابع، داستان ردّ شمس بدین شکل بیان شده است که امام (ع) با برخی از یاران خود، نماز عصر خود را اقامه نمودند، درحالی‌که بیشتر اصحاب ایشان چنان به رسیدگی به اسب‌ها و مرکب‌های خود مشغول شدند که خورشید غروب کرد و نماز عصر آنها قضا شد. از این رو، امام (ع) از خداوند خواستند تا خورشید بازگردد و همه اصحاب ایشان نماز عصر خود را در وقت آن ادا کنند (مفید، ۱۶: ۴۱، ج ۱، ص ۳۴۶).

در اینجا، لازم است به روایت دوم شیخ صدوق از این معجزه در *علل الشرائع* اشاره کرد که از امام صادق (ع) نقل کرده است. بر اساس این روایت، معجزه ردّ شمس با معجزه دیگری از امیرالمؤمنین (ع) یعنی سخن گفتن آن حضرت با یک جمجمه مرده ارتباط یافته و علت به تأخیر افتادن نماز عصر حضرت تا زمان غروب خورشید، به درازا کشیدن صحبت ایشان با جمجمه بیان شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۲، ج ۲، ص ۳۵۱). درباره معجزه سخن گفتن امام علی (ع) با جمجمه مرده، در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

در خصوص موقعیت جغرافیایی مکان‌هایی که در روایات مذکور از آن یاد شده، لازم به توضیح است که زمین بابل امروزه در شمال شهر حله قرار دارد و میان این دو، شاخه‌ای از رود فرات جدایی انداخته است، و حال آنکه «مشهد الشمس» امروزه تقریباً متصل به حله و در کنار جاده این شهر به بابل قرار دارد.

«سوراء» نیز، که بر اساس یکی از نقل‌های شیخ صدوق مبنی بر اینکه حادثه ردّ شمس پس از گذشتن از پل «سوراء» رخ داده (صدوق، ۱۴۱۰: ۱، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱)، به گفته یاقوت حموی موضعی در عراق در سرزمین بابل، نزدیک «حله مزیدی» بوده است (حموی، ۱۳۹۷: ۳، ص ۲۷۸).

رودخانه «صراط» نیز، که به گفته نصرین مزاحم، امام علی (ع) در مسیر خود از کوفه به سمت صفین، با گذشتن از «پل صراة» از زمین بابل خارج شدند (منقري، ۱۴۱۰: ۱۳۶) و در برخی روایات، محل وقوع معجزه ردّ شمس جایی پس از گذشتن از این پل مشخص شده (صفار، ۱۴۰۴: ۲۳۹؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ شریف رضی، ۱۴۰۶: ۵۶-۵۷)، احتمالاً همان «صراط جاماسب» از شاخه‌های رود فرات است (حموی، ۱۳۹۷: ۳، ص ۳۹۹-۴۰۰).

به هر حال، اگر معجزه ردّ شمس - مطابق روایت نصرین مزاحم - در مسیر حرکت امام علی (ع) به

صفین و پس از گذشتن از سرزمین بابل اتفاق افتاده باشد، باید محل وقوع آن را در نقطه‌ای در شمال بابل بدانیم و بنابراین، زیارتگاه امروزی «مشهد الشمس» را که در شمال حله و جنوب بابل واقع است، با این حادثه بی‌ارتباط می‌نماید. اما در صورت پذیرش برخی از دیگر روایات نقل‌شده در منابع شیعه، که به وقوع حادثه در مسیر بازگشت امیرالمؤمنین (ع) از نهروان اشاره کرده‌اند، به‌ویژه روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه*، که به وقوع آن پس از گذشتن از پل «سوراء» اشاره کرده است، شاید بتوانیم این زیارتگاه را به‌عنوان محل ردّ شمس در نظر بگیریم. اما باید توجه داشت که در یکی از دو نقل موجود در کتاب نصرین مزاحم، به‌عنوان کهن‌ترین منبع گزارش ردّ شمس، اشاره‌ای به وقوع این معجزه نشده است.

درباره تاریخ اولیه احداث زیارتگاه «مشهد الشمس» حله آگاهی دقیقی در دست نیست. احتمالاً ابن‌شهر آشوب نخستین کسی است که به زیارتگاه کنونی «مشهد الشمس» حله و ارتباط آن با حادثه دوم ردّ شمس اشاره کرده است. او محل زیارتگاه را «صاعديه» از توابع بابل ذکر کرده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۲، ج ۲، ص ۳۵۵). علی‌بن ابی‌بکر هروی نیز چند قول درباره این زیارتگاه بیان کرده و نوشته است: گفته شده خورشید در آن برای حزقیل پیامبر (ع) و به قولی برای یوشع بن نون (ع)، و به قول دیگری برای علی بن ابی‌طالب (ع) بازگشته است (هروی، ۱۹۵۳: ۷۶، ص ۷۶).

مشهد الشمس امروزه داخل محوطه وسیع محصور و مشجری قرار دارد. این زیارتگاه از بناهای اسلامی کهن عراق و از نظر معماری، بسیار حایز اهمیت است. ساختمان اصلی آن شامل یک بنای هشت ضلعی با گنبد مضرّس زیبایی به ارتفاع تقریباً ۲۰ متر است. این گنبد از شاخص‌ترین گنبدهای مضرّس باقی‌مانده در عراق به‌شمار می‌آید و برخی پژوهشگران عراقی قدمت آن را به سه دهه اول سده هفتم هجری رسانده‌اند (حدیثی و عبدالحق، ۱۹۷۴: ۴۸). اما علاء‌الدین احمد العانی با استناد به قراین تاریخی و معماری، از جمله شباهت فراوان این بنا با گنبد زمرد خاتون در بغداد، تاریخ ساخت آن را دهه آخر سده ششم هجری برآورد کرده و آن را از آثار معماری دوره الناصر لدین الله عباسی (خ ۵۷۵-۶۲۲) دانسته است (عانی، ۱۹۸۲: ۵۹-۶۰). با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به اشاره ابن‌شهر آشوب و هروی به این زیارتگاه، پیش از این تاریخ نیز ساختمانی در این محل وجود داشته است.

در ضلع جنوبی بنای اصلی، محرابی وجود دارد که به احترام محل نماز خواندن امام علی (ع)، با یک در آلومینیومی کوچک (به عنوان ضریح یا پنجره مشبک) مسدود شده است. متصل به این بنا از سمت غرب، صحن کوچکی وجود دارد که دورتادور آن را رواق‌هایی فرا گرفته و در سال‌های اخیر، سقفی برای آن ایجاد

شده است. در زاویه، شمال شرقی آن، مناره جدیدی قدیمی وجود دارد که بلندی آن کمتر از ارتفاع گنبد بناست و بخش‌هایی از بدنه و ایوان آن با نقوش و کتیبه‌های کاشی، تزیین شده است.

صحن مشهد دارای یک ورودی در میان ضلع شمالی و ورودی دیگری نیز روبه‌روی آن در ضلع جنوبی است. ورودی جنوبی به محوطه محصور دیگری متصل است که در جنوب آن، مسجد کوچک و نسبتاً ساده‌ای قرار دارد. اهالی منطقه آن را مسجد قدیمی «صاعدیه» — نام این محل در گذشته — می‌دانند. این مسجد بازسازی شده است و در آن عناصر معماری قابل توجه و نیز آثاری از گذشته به چشم نمی‌خورد (مشاهدات نگارنده).

۲. زیارتگاه یا «مشهد جمجمه»

معجزه‌گاه دیگر امام علی (ع) در خاک عراق، «مشهد جمجمه» است که با وقوع معجزه سخن گفتن آن حضرت با یک جمجمه انسان مرده ارتباط یافته است. داستان این معجزه در منابع شیعه، با اختلافات بسیاری در محل وقوع و سایر جزئیات آن نقل شده است.

این داستان در *علل الشرائع* شیخ صدوق، به دو سند از امام جعفر صادق (ع) و بدون اشاره به محل ماجرا روایت شده و با حادثه «ردّ الشمس» ارتباط یافته است. مضمون آن به طور خلاصه چنین است که امیرالمؤمنین (ع) پس از خواندن نماز ظهر، سخن گفتن با جمجمه‌ای را آغاز کردند و آن جمجمه شروع به معرفی و شرح داستان زندگی خود کرد و صحبت او به درازا کشید تا اینکه خورشید غروب نمود. آن‌گاه به اراده خداوند، خورشید از مغرب بازگشت و امام (ع) نماز عصر خود را ادا کردند و خورشید دوباره غروب کرد (صدوق، ۱۳۸۵ق، ص ۳۵۱).

ابن شهر آشوب نیز این روایت را نقل کرده، با این تفاوت که در آغاز آن چنین افزوده است: راوی از امام صادق (ع) پرسید: چرا امیرالمؤمنین (ع) نماز عصر را در بابل به تأخیر انداخت؟ امام نیز در پاسخ، داستان مزبور را نقل کردند. در پایان نیز افزودند: پس در آنجا، مسجدی به نام «مسجد جمجمه» ساخته شد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۷۵).

روایت دیگری از این معجزه را حسین بن عبدالوهاب و طبری امامی از کتاب *الانوار کاتب اسکافی*، و با تفصیل بیشتر، *شاذان بن جبرئیل* قمی نقل کرده‌اند و سند آن به *عمار ساباطی* می‌رسد. بر اساس این روایت، زمانی که امیرالمؤمنین (ع) به ایوان کسری در مدائن رسیدند، دُلف فرزند منجم دربار کسری و تعدادی از اهالی ساباط (یکی از شهرهای هفت‌گانه مدائن) با ایشان همراه بودند. امام (ع) از یکی از

اصحاب خود خواستند تا جمجمه‌ای پوسیده را از زمین بردارد. سپس آن را در طشت آبی قرار دادند و امام (ع) بر رویش آب ریختند و سخن گفتن با جمجمه را آغاز کردند. جمجمه به سخن درآمد و با زبان عربی فصیح، خود را کسری انوشیروان معرفی کرد و به امامت امیرالمؤمنین (ع) شهادت داد. در ادامه روایت آمده است که اهالی ساباط در حق امام (ع) غلو ورزیدند و امام آنها را دعوت به توبه کرد؛ اما آنها نپذیرفتند و به همین سبب، حضرت (ع) دستور داد تا آنها را در آتش سوزانند (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۱۰-۱۱؛ طبری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱-۲۲؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۷۰-۷۲).

طبری امامی نیز این معجزه را به نقل از *ابورواحه انصاری*، از حبه عرنی به شرح ذیل نقل کرده است: با امیرالمؤمنین (ع) بودم، در زمانی که به جنگ معاویه می‌رفتند. جمجمه‌ای در کنار فرات دیدیم که زمان درازی از آن گذشته بود. امیرالمؤمنین (ع) ایستادند و آن را صدا زدند. جمجمه پاسخ داد و به نزد امام (ع) غلطید و به زبان فصیح سخن گفت. امام به او دستور بازگشت دادند و او به همانجایی که بود، برگشت (طبری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳).

همو در روایت دیگری نقل کرده است: امام (ع) در کنار جمجمه پوسیده‌ای در نهروان ایستادند و از او پرسیدند: که هستی؟ او گفت: من فلان بن فلانم (همان).

شبهه دو روایت طبری امامی را صاحب کتاب *الفضائل* نیز نقل کرده است، با این تفاوت که روایت دوم به صورت مفصل، به‌عنوان دنباله روایت اول آمده، و در سند آن به جای نام حبه عرنی، عنوان مغربی ذکر شده است. در متن روایت نیز صاحب جمجمه دوم خود را پرویز بن هرمز (به جای فلان بن فلان در روایت طبری) معرفی کرده است (قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۷۲-۷۳).

همچنین در کتاب *الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)* خبر معجزه جمجمه با جزئیات متفاوتی نقل شده است؛ از جمله آنکه سند روایت مرفوع و راوی آن *عمار یاسر* است، و صاحب جمجمه مرده *جُندب بن گرگر* معرفی شده است (قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۶-۱۳۷). با توجه به شهادت *عمار یاسر* در جنگ صفین، بنابراین، بر اساس این خبر باید به وقوع معجزه جمجمه در زمان حرکت امام علی (ع) به سمت صفین قایل شد که در آن زمان، راوی خبر، یعنی *عمار یاسر* هنوز در قید حیات بوده است.

فارغ از بررسی سندی و محتوایی روایات مزبور، آنچه در اینجا اهمیت دارد آن است که زیارتگاه جمجمه در بابل، بر اساس باورهای شیعیان، و همان‌گونه که ابن شهر آشوب نیز اشاره کرده، در محل معجزه سخن گفتن امام علی (ع) با جمجمه مرده ساخته شده است. اما همان‌گونه که ملاحظه شد، در روایات نقل شده در این باره، اجماعی بر وقوع آن در بابل وجود ندارد، بلکه بر اساس برخی اقوال، این

حادثه در ایوان مدائن رخ داده و در برخی اقوال نیز تنها به وقوع آن در مسیر حرکت امام علی (ع) به صفین یا نهروان - بدون اشاره به محلی مشخص - اشاره شده است.

از زمان پیدایش و بنای اولیه مسجد جمجمه اطلاعی در دست نیست، اما یاد شدن آن در منابع قرن ششم، نشان می‌دهد که ساختمان آن دست‌کم از آن زمان پابرجا بوده است. شاید ابن شهر آشوب نخستین کسی است که به این زیارتگاه اشاره کرده و از آن با عنوان «مسجد جمجمه در بابل» یاد کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

ابن حمزه طوسی نیز درباره آن گفته است: مسجد جمجمه در زمین بابل مشهور است، و مسجد در محلی که جمجمه با او [= امام علی (ع)] سخن گفت، ساخته شده و تا به امروز باقی و معروف است و بیشتر زائران و کسانی که از کنار آن می‌گذرند آن را زیارت می‌کنند (ابن حمزه الطوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۷).

علی بن ابی‌بکر هروی نیز درباره آن نوشته است: در شهر حلّه، «مشهد جمجمه» وجود دارد که گفته شده با عیسی بن مریم (ع) و گفته شده با علی بن ابی طالب سخن گفت: و صحیح آن است که عیسی بن مریم وارد عراق نشده است (هروی، ۱۹۵۳ق، ص ۷۶).

در دوره اخیر، شیخ عباس قمی گزارش داده است که مسجد جمجمه در گذر زمان، متروک و نزد شیعیان فراموش شده بود، تا اینکه محدث نوری با هدف شناسایی این مسجد به حلّه سفر کرد و با سختی فراوان، موقعیت آن را در نخلستان واقع در انتهای شرقی روستای جمجمه شناسایی کرد. بر اساس این گزارش، گنبد و ساختمان مسجد [یا در واقع، زیارتگاه] در آن زمان ویران شده و بقایای آن در دل خاک پنهان شده بود که با تلاش محدث نوری شناسایی و از دل خاک بیرون آورده شد (قمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۰).

روستای «جمجمه» که شیخ عباس قمی نیز بدان اشاره کرده، امروزه روستای کوچکی است که در حد فاصل شهر حلّه و مزار عمران بن علی (ع) - واقع در حاشیه ویرانه‌های شهر بابل - قرار دارد. نگارنده در سفر تحقیقاتی خود به این روستا، اثری از «مشهد جمجمه» نیافت؛ اما برخی اهالی منطقه به نگارنده تأکید کردند که این زیارتگاه تا زمان رژیم حزب بعث، در نقطه‌ای در شرق روستا باقی بوده، اما در این دوره، روی آن را با تپه‌ای از خاک پوشانیدند و محل آن به طور کامل زیر خاک مدفون گردید.

۳. مسجد برائا

«مسجد برائا» در کرخ بغداد، از مساجد تاریخی و مقدس شیعه است که در قرون اولیه اسلامی بسیار مورد توجه و اهتمام جامعه شیعیان بود. در برخی منابع شیعه، روایاتی در فضیلت این مسجد نقل شده

است؛ از جمله آنکه ابن قولویه به سند خود از ابوالحسن حذاء، از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است که ایشان فرمودند: «انّ الی جانبکم مقبرة یقال لها برائا، یحشر منها عشرون ومائة ألف شهید کشهداء بدر»؛ در ناحیه شما، قبرستانی وجود دارد که به آن «برائا» گویند و از آن صد و بیست هزار شهید مانند شهدای بدر محشور خواهند گشت (ابن قولویه، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶).

همچنین در تعدادی از منابع شیعه، روایاتی مبنی بر حضور و توقف و نماز خواندن امام علی (ع) در محل این مسجد، در زمان بازگشت ایشان از جنگ نهروان نقل شده است، که به دنبال آن، یک راهب مسیحی، که در صومعه خود نزدیک این مسجد می‌زیست، با مشاهده نماز گزاردن امام (ع) در این مکان به حضور ایشان رسید و با بیان اینکه اخبار حضور و نماز خواندن امام (ع) در برائا از کتب آسمانی به دست وی رسیده است، اسلام آورد. البته در منابع گوناگون، این حادثه با جزئیات متفاوتی نقل شده و برخی از روایات آن، حاوی فضیلت‌های دیگری برای مسجد برائا است.

بر اساس روایت شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب الاحکام، که سند آن به جابر بن عبدالله انصاری منتهی می‌شود، لشکر صد هزار نفره امیرالمؤمنین (ع) پس از بازگشت از جنگ خوارج، به امامت آن حضرت در برائا نماز خواندند. یک [راهب] مسیحی از صومعه خود پایین آمد و سراخ فرمانده لشکر را گرفت. آنها امام (ع) را به او نشان دادند و او از حضرت سؤال کرد که آیا تو پیامبر یا وصی پیامبری هستی؟ امام خود را وصی پیامبر معرفی کردند. راهب عرض کرد: من صومعه خود را به احترام این جایگاه (برائا)، در اینجا ساخته‌ام، و در کتب آسمانی خوانده‌ام که در اینجا و با این جمعیت، جز پیامبر یا وصی پیامبری نماز نمی‌خواند. سپس اسلام آورد و همراه با لشکر امام (ع) به کوفه رفت (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۶۴).

شیخ طوسی در الامالی خود به نقل از شیخ مفید، این داستان را به شکل متفاوت و مفصل‌تری، از امام محمدباقر (ع) نقل کرده است. مفاد روایت چنین است که امیرمؤمنان (ع) در مسیر بازگشت از جنگ نهروان و هنگامی که به منطقه «یمنة السواد» رسیدند، راهبی امام (ع) و سپاهیان را از اقامت در آن سرزمین نهی کرد. اما پس از آشنایی با آن حضرت و تطبیق صفات ایشان با شخصیت جانشین رسول خدا (ص) - چنان‌که در انجیل آمده (از جمله آنکه ایشان در زمین برائا، که خانه حضرت مریم و حضرت عیسی (ع) است، فرود می‌آید) - به دین اسلام مشرف شد. آن‌گاه امیرمؤمنان (ع) با ضربه پای خود، چشمه آبی را در آنجا آشکار کردند که به گفته ایشان، برای مریم شکافته شده بود. سپس به دستور امام (ع) زمین را کندند و سنگ سفید رنگی نمایان شد. حضرت فرمودند: اینجا مریم، عیسی (ع) را از شانه‌اش بر زمین گذاشته و نماز خوانده

است؛ و اینجا زمین برآتا و خانهٔ مریم است و در اینجا، پیامبران نماز خوانده‌اند. سپس خود نیز در آنجا نماز گزارند و چهل روز اقامت نمودند. در پایان روایت، امام باقر (ع) می‌فرمایند که پیش از حضرت عیسی (ع)، ابراهیم (ع) نیز در اینجا نماز خوانده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۹-۲۰۰).

قطب راوندی شبیه روایت مزبور را نقل کرده (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۳) و ابن شهر آشوب نیز بخشی از همین روایت را، که دربرگیرندهٔ خبر ضربه زدن امام (ع) به زمین و جوشیدن چشمه و کندن زمین و یافتن سنگ سفید رنگ است، از محمد بن قیس نقل نموده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۰).

ابن شهر آشوب همچنین خبر دیگری را از حارث اعور و عمرو بن حرث و ابویوب نقل کرده که در آن، سخنی از جوشیدن چشمهٔ آب و یافتن سنگ سفید رنگ به میان نیامده، اما محتوای کلی آن شبیه بخش آغازین روایت الامالی طوسی (یعنی داستان اسلام آوردن راهب) است، البته با این تفاوت که در روایت ابن شهر آشوب، نام راهب «حباب» بیان شده و امیرالمؤمنین (ع) به وی دستور دادند تا دیر خود را به مسجد تبدیل کند، و او همراه امیرالمؤمنین (ع) به کوفه رفت و در آنجا اقامت کرد و پس از شهادت امام (ع) به مسجد خود در برآتا بازگشت (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

ابن شهر آشوب در ادامه، روایتی را به نقل از زاذان، از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که در واقع دنبالهٔ روایت قبلی است. شرح روایت چنین است که امام (ع) از راهب پرسیدند که چرا چشمه‌ای حفر نمی‌کند تا از آن آب بیاشامد؟ و راهب پاسخ داد که قبلاً حفر کرده و آب آن شور بوده است. امام به راهب دستور دادند که چشمهٔ دیگری حفر کند. این بار چشمهٔ آب زلالی آشکار شد و آب آشامیدنی راهب از آن تأمین گردید (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

با این حال، در شمار دیگری از منابع شیعه، تنها از نماز خواندن امام علی (ع) در برآتا در زمان بازگشت از جنگ نهروان، بدون اشاره به داستان اسلام آوردن راهب یا آشکار کردن چشمه و سایر وقایع آن، سخن به میان آمده است (قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۶۸؛ حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۱).

«برآتا» در اصل روستایی قدیمی‌تر از بغداد بود که پس از احداث و توسعهٔ این شهر، به محله‌ای در حومه آن تبدیل شد و موقعیت آن، جنوب «باب محوّل» در سمت قبلهٔ منطقه «کرخ» بود (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۶۲). ابن حوقل ساخت «مسجد برآتا» را به امام علی (ع) نسبت داده است (ابن حوقل، ۱۹۹۲م، ص ۲۱۶)؛ اما بر اساس روایت ابن شهر آشوب، این مسجد را راهب

مسیحی ساکن آنجا، پس از اسلام آوردن خود، به دستور امیرالمؤمنین (ع) بنا کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «مسجد برآتا» در دو قرن چهارم و پنجم هجری برای شیعیان اهمیت ویژه‌ای داشته است و به گفتهٔ خطیب بغدادی، محل اجتماع و گردهمایی آنان بوده است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۷). آنها تا سال ۴۵۰ق در این مسجد خطبه می‌خواندند و نماز جمعه برگزار می‌کردند؛ اما به سبب سخت‌گیری‌های اهل سنت بغداد، از این تاریخ، نماز و شعائر مذهبی در آن متوقف گردید و این مسئله موجب متروک و ویرانه شدن محله برآتا در دوره‌های بعدی شد، به گونه‌ای که به گفتهٔ یاقوت حموی، در زمان وی از محله برآتا اثری باقی نمانده بود و از مصالح ساختمانی آثار باقی‌مانده از دیوارهای مسجد در ساخت بناهای دیگر استفاده می‌شد (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳).

در دوره‌های اخیر، «مسجد برآتا» به طور کامل از بین رفته و هیچ نشانی از آن باقی نمانده است. اما امروزه مسجد دیگری واقع در جنوب شرقی کاظمین، به نام «مسجد برآتا» شناخته می‌شود که در اصل زیارتگاه دیگری مرتبط با امام علی (ع)، به نام مسجد یا مشهد «عتیقه» یا «منطقه» بوده است.

وجه تسمیه این مسجد به «عتیقه»، قرار داشتن آن در بازار و محله‌ای به این نام بوده که برخی منابع قرن پنجم و ششم به آن اشاره کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴؛ حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۲۸۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۷). به گفتهٔ خطیب بغدادی، شیعیان به این مسجد توجه زیادی داشته و آنجا را زیارت می‌کرده‌اند و اعتقاد دارند امام علی (ع) در آنجا نماز خوانده است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴). صفی‌الدین بغدادی نیز از این مکان با نام «مشهد المنطقه» یاد کرده (بغدادی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۵۷) و در دوره اخیر، محمود شکری آلوسی در باب وجه تسمیهٔ آن به «منطقه» و ارتباط آن با معجزه‌ای از امام علی (ع)، توضیحاتی داده است (آلوسی، ۱۳۴۶ق، ص ۱۲۲).

به هر حال، مسجد برآتا کنونی، یا در واقع، «مسجد عتیقه یا منطقه»، ارتباطی با مسجد تاریخی و کهن برآتا ندارد؛ چراکه «مسجد برآتا» در محلهٔ برآتا در جنوب غربی شهر بغداد واقع بوده، و حال آنکه مسجد کنونی در شرق بغداد کهن (پیش از توسعهٔ آن به سمت شرقی رود دجله)، و در حد فاصل آن و کاظمین قرار دارد. چنان‌که مصطفی جواد و احمد سوسه اشاره کرده‌اند، برخی از شیعیان در دورهٔ متأخر، که از محل و موقعیت مسجد برآتا تاریخی اطلاع نداشته‌اند، نام برآتا را بر «مشهد منطقه» نهاده‌اند (جواد و سوسه، ۱۴۳۲ق، ص ۸۵ و ۹۱) و از آن پس، به تدریج، این زیارتگاه به «مسجد برآتا» شهرت یافته است.

با این حال، امروزه داخل این زیارتگاه آثاری وجود دارد که با روایات حضور امام علی (ع) در برائا و فضایل مسجد برائا ارتباط یافته است؛ از آن جمله: سنگ سفید رنگی به شکل یک ستون هشت ضلعی خوابیده بر زمین است که در طرفین آن کتیبه‌ای حجاری شده حاوی اسامی چهارده معصوم به چشم می‌خورد و گفته می‌شود: حضرت مریم، فرزندش حضرت عیسی (ع) را بر روی این سنگ گذاشته است. در صحن مسجد نیز سنگ سیاه رنگی با شکل نزدیک به مکعب وجود دارد که به نام سنگ «منطقه» نیز شناخته می‌شود و زائران بدان تبرک می‌جویند. در بخش دیگری از مسجد نیز چاه آبی وجود دارد که شیعیان آن را همان چشمه‌ای می‌دانند که امام علی (ع) در زمان حضور خود در برائا آن را آشکار کردند و بر این باورند که این چاه در گذشته تخریب و از دید پنهان شده بود، اما در دوره اخیر مجدداً شناسایی گردیده است (حسنی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۳-۸۴).

۴. «قطاره امام علی (ع)»

در حدود ۲۵ کیلومتری جنوب غربی کربلا، نزدیک جاده این شهر به «عين التمر»، چشمه آبی وجود دارد که به «قطاره» امام علی (ع) شناخته می‌شود و در اطراف آن، دیواره‌های صخره‌ای نسبتاً مرتفعی وجود دارد. اخیراً در این مکان، زیارتگاهی ساخته‌اند که چشمه‌ای آب درون آن قرار گرفته است و بر روی آن ضریحی به شکل یک پنجره چوبی مشبک یک ضلعی نصب کرده‌اند. اهالی منطقه این چشمه را همان چشمه‌ای می‌دانند که امام علی (ع) به طریق اعجاز‌آمیز نزدیک دیر یک راهب مسیحی آشکار کردند.

معجزه آشکار کردن چشمه آب به دست امیرالمؤمنین (ع) در زمان حرکت به سمت صفین یا بازگشت از آنجا، در تعدادی از منابع شیعه نقل شده است؛ اما در جزئیات روایات آن، اختلاف‌هایی وجود دارد. فحوای این روایات به‌اختصار چنین است که امام (ع) در مسیر حرکت خود، به همراه لشکر خویش وارد صحرائی بی‌آب و علف شدند و در نزدیکی ستون یا میل بلندی توقف کردند که در بالای آن راهبی زندگی می‌کرد. نزدیک این ستون یا میل، صخره‌ای وجود داشت که اصحاب حضرت نتوانستند با یکدیگر آن را بلند کنند. اما امام (ع) آن را از جا کردند و در زیر آن، چشمه آب زلالی پدیدار شد. پس از آنکه لشکر ایشان از آب چشمه سیراب شدند، حضرت صخره را به جای اول برگرداندند و چشمه را پوشانیدند. سپس از آنجا حرکت کردند؛ اما هنوز دور نشده بودند که امام (ع) از اصحاب خود خواستند تا برگردند و چشمه را بیابند. برخی از اصحاب حضرت بازگشتند، اما نتوانستند محل چشمه

را بیابند. سپس نزد راهب رفتند و او به آنها خبر داد که بجز پیامبران یا اوصیای پیامبران، هیچ‌کس نتوانسته است این چشمه را آشکار کند (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵؛ خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۶۶-۸۶۷). در برخی از این منابع افزوده شده است که آن راهب اسلام آورد و به امیرالمؤمنین (ع) پیوست و سرانجام، در جنگ صفین به شهادت رسید (خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۷؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶).

لازم به ذکر است که تقریباً همه منابعی که این معجزه را نقل کرده‌اند زمان وقوع آن را در هنگام عزیمت امام علی (ع) به سمت صفین دانسته‌اند؛ اما در محل وقوع آن با یکدیگر اختلاف دارند و بیشتر آنها، محل وقوع حادثه را در نقطه‌ای در ساحل غربی رود فرات ذکر کرده‌اند. در روایت نصرین مزاحم، که احتمالاً قدیمی‌ترین روایت این معجزه است، محل وقوع آن «ظهر کوفه» بیان شده است (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵). ابن‌شهر آشوب و قطب راوندی مکان وقوع آن را «صندودا» دانسته‌اند (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۶۷). در روایت حسین بن حمدان خصیعی و شیخ مفید و نیز در اشعاری از سید حمیری، محل وقوع آن پس از گذشتن امام (ع) از کربلا ذکر شده است (خصیعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۸؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶). ابن‌اعثم نیز محل آن را صحرائی که امیرالمؤمنین (ع) در حد فاصل میان «انبار» تا «هیت» از آن عبور کرده، دانسته است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۵).

بنا بر آنچه گذشت، در خصوص این معجزه و زیارتگاه مرتبط با آن، یعنی «قطاره»، چند نکته قابل تأمل وجود دارد:

۱. همان‌گونه که اشاره شد، بیشتر منابع، زمان وقوع این معجزه را در هنگام حرکت امام علی (ع) به سمت صفین ذکر کرده‌اند؛ اما بجز ابن‌اعثم، سایر منابع مکان وقوع آن را در ساحل غربی رود فرات ذکر نموده‌اند، درحالی‌که - چنان‌که پیش از این ذکر شد - مسیر حرکت امام علی (ع) به سمت صفین، در ساحل شرقی رود فرات بوده و مسیر بازگشت ایشان در ساحل غربی رود فرات (ر.ک: خامه‌یار، ۱۳۹۰، ص ۷۲-۷۳). بنابراین، در روایات گوناگون این معجزه، میان زمان و مکان وقوع آن توافق وجود ندارد.

۲. به‌طور کلی، این معجزه به طرز قابل تأملی یادآور معجزه مشابهی است که در زمان بازگشت امام (ع) از جنگ نهروان در محل «مسجد برائا» رخ داد. به‌گونه‌ای که یا باید قایل شد به اینکه معجزه آشکار شدن چشمه آب به دست امام علی (ع) نزدیک دیر راهب مسیحی، دوبار اتفاق افتاده است، و یا با

استناد به روایاتی که در آنها به وقوع این معجزه در برائا اشاره نشده، چنین نتیجه‌گیری کرد که این معجزه تنها یک بار، در زمان رفت و برگشت امام (ع) به صفین رخ داده است و برخی از راویان در نقل اصل خبر دچار تردید و اشتباه شده‌اند و زمان وقوع آن را در زمان توقف ایشان در نهروان ذکر کرده‌اند. ۳. نصر بن مزاحم و ابن اعثم گزارش کرده‌اند که امام علی (ع) در مسیر حرکت خود به صفین و پیش از رسیدن به شهر «رقه»، نزدیک رود «بلیخ» (از شاخه‌های رود فرات) توقف کردند. در آنجا راهبی از صومعه خود خارج شد و نوشته‌ای را که از اصحاب حضرت عیسی (ع) دست‌به‌دست به وی رسیده بود و در آن، رسیدن امام (ع) به این محل پیش‌بینی شده بود، برای آن حضرت قرائت کرد. سپس به یاران ایشان پیوست و سرانجام، در جنگ صفین به شهادت رسید (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۸-۱۴۷؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۶). شباهت برخی جزئیات این گزارش (اسلام آوردن راهب و شهادت وی در رکاب امام (ع) در جنگ صفین) با روایات معجزه آشکار کردن چشمه آب قابل تأمل است، و به نظر می‌رسد بین روایات این معجزه و روایت راهب بلیخ، خلطی صورت گرفته باشد.

۴. ابن‌اعثم گزارش داده است که امام علی (ع) در زمان عزیمت به سمت صفین، پس از گذشتن از شهر «هیت»، در محلی به نام «اقطار» توقف نمودند و در آنجا مسجدی بنا کرد که تا زمان وی - اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری - پابرجا بوده است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۶). تشابه نام زیارتگاه «قطاره» امام علی (ع) نزدیک کربلا، با نام مسجد «اقطار» نیز نکته‌ای شایسته تأمل و بررسی است. ۵. برخلاف سه زیارتگاه قبلی (مشهد الشمس و جمجمه و مسجد برائا)، که در متون کهن از آنها یاد شده، نگارنده اشاره‌ای به زیارتگاه قطاره در منابع تاریخی نیافته است.

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی روایات گوناگون واردشده در باب هریک از معجزاتی که مبنای پیدایش زیارتگاه‌های بررسی شده در این پژوهش بوده است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که وجود اختلاف و گاه حتی تناقض موجود در باب زمان و مکان وقوع این معجزات، به ما این اجازه را نمی‌دهد که با استناد به این روایات، به آسانی بتوانیم مکان مشخصی را به‌عنوان محل وقوع این معجزات تعیین کنیم. با این حال، نتیجه‌گیری کلی درباره هریک از زیارتگاه‌های بررسی‌شده را می‌توان به طور خلاصه به شرح ذیل بیان کرد:

۱. تنها با استناد به روایاتی که زمان وقوع حادثه ردّ شمس را در مسیر بازگشت امام علی (ع) از نهروان بیان کرده‌اند (به‌ویژه روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه*، که مکان وقوع آن را پس از

گذشتن از پل «سوراء» ذکر کرده است)، می‌توان زیارتگاه «مشهد الشمس» را منطبق بر محل وقوع معجزه ردّ شمس دانست.

۲. تنها در روایت نسبتاً متأخر ابن شهر آشوب، محل وقوع معجزه جمجمه، منطقه «بابل» بیان شده، و در منابع کهن‌تر، محل وقوع این معجزه مدائن یا موقعیت غیردقیق «نزدیک رود فرات» ذکر شده است. بنابراین، نمی‌توان به راحتی پذیرفت که زیارتگاه ازبین‌رفته جمجمه در بابل، کاملاً در محل وقوع این معجزه ساخته شده باشد.

۳. در منابع معتبر شیعه، روایاتی در فضیلت «مسجد برائا» نقل شده و این مسجد محل حضور و نماز خواندن امام علی (ع) در زمان بازگشت ایشان از نهروان معرفی شده است. اما در برخی از این منابع، از وقوع معجزه آشکار کردن چشمه آب در این مسجد سخنی در میان نیست. علاوه بر آن، «مسجد برائا» در گذر زمان، از بین رفته است و مسجدی که امروزه به این نام شناخته می‌شود، در واقع مسجد و زیارتگاه دیگری به نام «عتیقه» یا «منطقه» است. بنابراین، آثاری که امروزه در این مسجد زیارت می‌شود از مستند روایی برخوردار نیست.

۴. در محل وقوع معجزه چشمه آب، تناقض و اختلاف فاحشی در روایات وجود دارد. البته در روایت خصیبی و شیخ مفید و نیز اشعار سید حمیری، زمان وقوع آن پس از عبور امام علی (ع) از کربلا بیان شده، اما محل دقیق وقوع آن مشخص نشده است، ضمن آنکه از بیشتر روایات چنین برمی‌آید که هیچ‌کس جز پیامبران و اوصیای پیامبران قادر به شناسایی محل چشمه نیست؛ و این مسئله تعیین زیارتگاه «قطاره» امام علی (ع) یا هر مکان دیگری را به‌عنوان محل وقوع این معجزه با دشواری مواجه می‌سازد.

سخن پایانی آنکه نویسنده بر این باور است که زیارتگاه‌های بررسی‌شده را حتی اگر نتوان به‌عنوان محل وقوع قطعی و دقیق معجزات امیرالمؤمنین (ع) تعیین کرد، اما می‌توان آنها را به‌عنوان زیارتگاه‌هایی نمادین در نظر گرفت که شیعیان در دوره‌های بعدی، در جاهایی که نزد آنها به‌عنوان محل وقوع این معجزات مشهور و متعارف بوده، ساخته‌اند و نیت و انگیزه آنان از ساخت این زیارتگاه‌ها، احیای یاد و خاطره این معجزات امام علی (ع) بوده که در بسیاری منابع روایی شیعه روایت شده و برای آنها مشهور و شناخته شده بوده است.

منابع

- صفی‌الدین بغدادی، عبدالمؤمن بن عبدالحق، ۱۴۱۲ق، *مراصد الاطلاع على اسماء الامكنة والبقاع*، تحقیق علی‌محمد بجاوی، بیروت، دارالجلیل.
- طباطبائی، سیدعبدالعزیز، ۱۴۱۷ق، *اهل البيتؑ فی المكتبة العربية*، قم، مؤسسة آل البيتؑ لإحياء التراث.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۰ق، *نوادير المعجزات فی مناقب الائمة الهداة*، قم، مدرسة الإمام المهديؑ.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *تهذيب الاحکام*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالی*، قسم الدراسات الاسلامیه - مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافة.
- عانی، علاء‌الدین احمد، ۱۹۸۲م، *المشاهد ذات القباب المخروطة فی العراق*، المؤسسة العامة للآثار والتراث.
- عیاشی، محمد بن مسعود، بی‌تا، *التفسیر*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، طهران، المكتبة العلمية الاسلامیه.
- قطب راوندی، سعید بن عبدالله، ۱۴۰۹ق، *الخرائج والجرائع*، قم، مؤسسة الامام المهديؑ.
- قمی، شاذان بن جبرئیل، ۱۳۸۱ق، *الفضائل*، النجف، المكتبة الحیدریة و مطبعتها.
- _____، ۱۴۲۳ق، *الروضة فی فضائل امیرالمؤمنینؑ*، تحقیق علی الشکرچی، قم، مكتبة الامین.
- قمی، عباس، ۱۳۸۰، *منتهی الآمال*، چ چهاردهم، قم، هجرت.
- قمی، محمد بن حسن، ۱۴۲۳ق، *العقد النضید والدر الفرید*، تحقیق علی اوسط الناطقی، قم، دارالحديث.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ط. الثالثة، بیروت، دارصعب و دارالتعارف.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، ط. الثانية، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۶ق، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بیروت، مؤسسة آل البيتؑ لإحياء التراث.
- منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۱۰ق، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجلیل.
- نریمانی، زهره، ۱۳۸۱، «نقد سندی و محتوایی روایت ردّ الشمس لعلی ابن ابی‌طالبؑ»، *حدیث اندیشه*، ش ۳-۴.
- هروی، علی بن ابی‌بکر، ۱۹۵۳م، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، تحقیق جانین سوردیل - طومین، دمشق، المعهد الفرنسي.

- ابن اعثم کوفی، احمد بن، ۱۴۱۱ق، الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن حزم، علی بن احمد، بی‌تا، *جمهرة انساب العرب*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ط. الخامسة، قاهره، دار المعارف.
- ابن حمزة طوسی، محمد بن علی، ۱۴۱۲ق، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، چ دوم، قم، انصاریان.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، ۱۹۹۲م، *صورة الارض*، بیروت، دار مكتبة الحياة.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر، ۱۳۷۵، *کامل الزیارات*، تصحیح بهراد جعفری، تهران، صدوق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۱۲ق، تحقیق یوسف البقاعی، ط. الثانية، بیروت، دارالاضواء.
- آلوسی، سید محمود، ۱۳۴۶ق، *تاریخ مساجد بغداد وآثارها*، بغداد، مطبعة دارالسلام.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۰، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، چ چهاردهم، تهران، مشعر.
- جواد، مصطفی و احمد سوسه، ۱۴۳۲ق، *دلیل خارطة بغداد المفصل فی خطط بغداد قديماً وحديثاً*، بیروت، مكتبة الحضارات.
- حدیثی، عطا و هناء عبدالخالق، ۱۹۷۴م، *القباب المخروطة فی العراق*، بغداد، مديرية الآثار العامة.
- الحسنی، عادل، ۱۴۳۱ق، *دلیل العتبات والمارقد فی العراق*، بیروت، دارالمؤرخ العربي.
- حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، *عیون المعجزات*، نجف، المطبعة الحیدریة.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۳۹۷ق، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- خامه‌یار، احمد، ۱۳۹۰، «پژوهشی در مسیر امام علیؑ به صفین و محل جنگ صفین»، *پژوهش‌نامه علوی*، ش ۳.
- خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۲۳ق، *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۲۲ق، *تاریخ بغداد*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *خصائص الائمةؑ - خصائص امیرالمؤمنینؑ*، تحقیق محمدهادی امینی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۵ق، *علل الشرائع*، نجف، المكتبة الحیدریة و مطبعتها.
- _____، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسين.
- _____، ۱۴۱۰ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
- صفّار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمدؑ*، تصحیح میرزا محسن کوجه‌باغی، طهران، مؤسسة الاعلمی.